

ارائه مدلی جهت بهبود کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: با توجه به الزامات اقتصاد مبتنی بر دانش

فرهاد شریعتی *

علی‌اکبر امین بیدختی **

محمود نجفی ***

چکیده

هدف اصلی این پژوهش طراحی مدل ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بود. در این پژوهش از روش پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد نظریه داده بنیاد استفاده شد. در این پژوهش جامعه آماری صاحب‌نظران حوزه فنی و حرفه‌ای شامل اعضای هیئت‌علمی، مدیران و صاحبان صنایع در استان کردستان و در سال ۱۳۹۷ بودند. با استفاده از روش گلوله برفی تعداد ۱۸ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. اعتبار و روایی داده‌ها از طریق دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان به دست آمد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده این الگو دارای شرایط علی از جمله (شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان، عوامل آموزشی و عوامل مدیریتی)، زمینه‌ای (بسترسازی فرهنگی و بسترسازی اقتصادی)، مداخله‌گر (عوامل بین‌المللی و عوامل تکنولوژیکی)، راهبردها (برون‌سپاری، توانمندسازی، توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی) و پیامدها (رشد اقتصادی، بهبود عوامل آموزشی و توسعه اجتماعی) بود.

واژه‌های کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، اقتصاد مبتنی بر دانش، کیفیت‌بخشی آموزش، نظریه داده بنیاد

* استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) farhad.shariati@gmail.com

** استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

*** دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۷

مقدمه

جامعه در حال ورود به عصری است که در آن آینده اساساً به‌وسیله توانایی افراد در استفاده عاقلانه از دانش، به‌عنوان یک منبع گران‌بهای جهانی که شامل فناوری و سرمایه فکری انسانی است، تعیین می‌شود. اقتصاد مبتنی بر دانش اهمیت زیادی برای اشاعه و استفاده از دانش و اطلاعات و همچنین ایجاد آن قائل است (پساراس^۱، ۲۰۰۶).

دانش و اطلاعات به‌عنوان اولین و بهره‌ورترین منبع ایجاد ثروت مدنظر قرار می‌گیرد، بنابراین با منابع سنتی استفاده‌شده در گذشته، مانند سرمایه و انرژی و پیش‌تر از این‌ها مانند سرمایه و نیروی کار جایگزین شده است (ویسلا و کلیموا^۲، ۲۰۱۴).

اقتصاد دانش‌نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌های جدید است که نسبت به مجموعه مهارت‌های موردنیاز اقتصاد صنعتی متفاوت است. امروزه کار نیازمند افزایش مقدار آموزش و کارآموزی است و همچنین شامل مهارت‌هایی مانند خلاقیت، حل مسئله و رهبری است (اسچوارز و کی^۳، ۲۰۰۶). جهت موفقیت در اقتصاد مبتنی بر دانش، آموزش و مهارت‌آموزی از عناصر بسیار مهم جهت دستیابی به لبه رقابت‌پذیری است (میهم هرولد^۴، ۲۰۱۰). همچنین قدرت رقابت‌پذیری یک کشور به نیروی کار با مهارت و توانایی پرورش نوآوری از طریق کارآفرینی بستگی دارد (یایلجان^۵ و همکاران، ۲۰۱۵). در مجموع آنچه در نگاه به اقتصاد دانش‌بنیان باید مورد توجه قرار گیرد، یادگیری و نوآوری بر پایه ارتقای دانش ضمنی و مهارت است و نه صرفاً تمرکز بر فناوری‌های پیشرفته و برتر (سوزنچی، ۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری بر دانش در تمام بخش‌های اقتصادی کشورها انجام می‌گیرد و به صنایع پیشرفته و صرفاً از طریق پژوهش و توسعه محدود نمی‌شود. به عبارتی سرمایه‌گذاری یک ملت برای تولید ثروت به‌طور فزاینده‌ای به سرمایه‌گذاری در تقویت «مثلث دانش» که از آموزش، پژوهش و نوآوری تشکیل شده است، نیاز دارد. (بختیاری نژاد و شیخان، ۱۳۹۵).

در این راستا آموزش فنی و حرفه‌ای سهم مهمی در قدرت رقابت‌پذیری و رفاه در جهان مبتنی اقتصاد دانش به عهده دارد و باید به‌عنوان یک کلید اصلی جهت کاهش فقر، ارتقاء صلح، حفظ محیط‌زیست، بهبود کیفیت زندگی برای همه و کمک برای دستیابی به

1. Psarras, J.
2. Veselá, D., & Klimová, K.
3. Schwarz, E., & Kay, K.

4. Mihm-herold, W. A.
5. Yayilgan

توسعه پایدار عمل کند. (ماروپ، چاکرونو هولمز^۱، ۲۰۱۵) چالش عمده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برآورده کردن نیازهای مهارتی در حال تغییر افراد و دنیای کار است. (هرمو، کریستوفیکوا و میستینا^۲، ۲۰۱۵). همچنین قابل ذکر است که حرفه‌های مادام‌العمر در حال ناپدید شدن هستند. شایستگی‌هایی که فقط بر یک موقعیت خاص تمرکز می‌کنند به سرعت منسوخ و بدون استفاده می‌شوند؛ بنابراین کل کشورهای توسعه‌یافته در حال تلاش برای یافتن، تعریف کردن و توسعه شایستگی‌هایی هستند که در اکثر حرفه‌ها مفید و کاربردی باشند، به طوری که افراد را برای انجام موفقیت‌آمیز دامنه‌ای از موقعیت‌های شغلی مختلف آماده کرده و توانایی حل مشکلات پیش‌بینی نشده را داشته باشند تا بتوانند خود را با تغییرات محیط کار و زندگی اجتماعی سازگار کنند (هرمو، کریستوفیکوا و میستینا، ۲۰۱۵).

مهارت‌های موردنیاز قرن بیست و یکم در عصر اقتصاد دانش‌بنیان که در سیستم آموزش سنتی مفقوده می‌باشند شامل مواردی همچون، خلاقیت جهت توسعه و به دست آوردن مزیت رقابتی (فلوریدا^۳، ۲۰۰۳)، نوآوری (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۴، ۲۰۱۳)، شایستگی‌های فنی و مهارت‌های نرم شامل رهبری، کار تیمی و شایستگی‌های اثربخش خودتنظیمی^۵ (هاسن ایفندیک، هیتور، هورتا^۶، ۲۰۱۶)، تفکر کارآفرینانه (بواهین، ۲۰۱۸^۷، بریج^۸، ۲۰۰۸، تیلور و همکاران^۹، ۲۰۱۱ و کوریلسکی و والسناد^{۱۰}، ۲۰۰۰)، توانایی کار کردن با افراد در زمینه‌های متنوع و قابلیت تطبیق با تغییرات سریع محیطی (بریج، ۲۰۰۸) است.

توسعه سریع فناوری به‌طور فزاینده‌ای تقاضا برای کارکنان آموزش‌دیده و بامهارت را افزایش داده است (فاک و سیام^{۱۱}، ۲۰۰۱)؛ بنابراین ارتباط تکمیلی بین فناوری اطلاعات و سرمایه انسانی ممکن است که عامل مهمی در جهت توضیح تغییر جهت به سمت نیروی کار، مهارت‌یافته باشد. به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که رشد دائمی فناوری و جهانی شدن گفتمان جدیدی را به توسعه برنامه درسی؛ به‌عنوان پلی جهت ارتباط بین برنامه درسی با آموزش و ارزیابی و دنیای کار معرفی کرده است.

1. Marope, P. T. M., Chakroun, B. & Holmes, K. P.
2. Hrmo, R., KriStofiaková, L., & Miština, J.
3. Florida, R.
4. Organization for Economic Co-operation and Development

5. self-regulating
6. Hasanefendic, S., Heitor, M., & Horta, H.
7. Boahin, P.
8. Bridges, C.
9. Taylor, R., et al.
10. Kourilsky, M. L., & Walstad, W. B.
11. Falk, M., & Seim, K.

در ارتباط با ارائه مدل ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مطالعات چندی صورت گرفته است؛ که به‌اختصار به ذکر چند نمونه اشاره می‌شود:

سلیمی (۱۳۹۱)، گزارش کرده است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زمینه سیاست‌های پیشنهادی شامل: خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت، ابعاد فنی و حرفه‌ای آموزش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای به‌منزله آماده شدن برای حوزه کار و اشتغال، آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یادگیری مداوم، مکانیسم راهنمایی و مشاوره، فرایند یادگیری، کارکنان و اعضای آموزشی مؤسسات فنی و حرفه‌ای در وضعیت نسبتاً مطلوبی است، اما در زمینه تعریف و دامنه آموزش فنی و حرفه‌ای، سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای: اهداف و مقاصد، محتوای برنامه‌های کارآموزی، کادر مدیریتی و نظارتی در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، همکاری‌های بین‌المللی، نامطلوب برآورد شده است.

حسینی، صدری و مطور (۱۳۹۱)، گزارش کرده‌اند که در شرایط فعلی ارتباطی بین آموزش‌های رسمی فنی و حرفه‌ای و بازار کار وجود ندارد. معصومی و کاوندی (۱۳۹۱)، گزارش کرده‌اند که در بین هنرجویان فنی و حرفه‌ای بین آن‌هایی که دوره آموزش کارآفرینی را گذرانده‌اند با آن‌هایی که این دوره‌ها را نگذرانده‌اند تفاوت معناداری وجود ندارد.

عبداللهی (۱۳۹۵)، گزارش کرده است که در حال حاضر کار اثربخشی به‌منظور برقراری ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بازار کار وجود ندارد و ضرورت بازنگری در روش‌های نیازسنجی آموزشی و استانداردهای مهارتی، توسعه فرهنگ کار، تأکید بر جنبه‌های عملی و مهارتی در آموزش‌ها در مقایسه با آموزش‌های نظری، الزام دستگاه‌های دولتی و نیز بخش صنعت به همکاری واقعی با بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در چهارچوب برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و نیز پرهیز از توسعه کمی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را به‌عنوان راهکارهای عملی ارتباط اثربخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیاز بازار کار را پیشنهاد کرده است. صالحی عمران (۱۳۹۳)، آسیب‌ها را در سه حیطه ساختاری، رفتاری و محتوایی و محیطی و زمینه‌ای موردبررسی قرار داده است که مهم‌ترین آسیب‌ها در بعد ساختاری شامل نبود یک سیاست‌گذار کلان نیروی انسانی در کشور و عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده خدمات آموزش مهارتی در جامعه، در بعد رفتاری و محتوایی هم مهم‌ترین آسیب‌ها شامل عدم دسترسی کافی به اطلاعات بازار کار و عدم بهره‌مندی نظام آموزش مهارت از منابع انسانی مناسب این نظام شناخته شده است و در بعد محیطی

و زمینه‌ای، عوامل دخالت قدرت سیاسیون در توسعه کمی آموزش‌های مهارتی و تقاضامحور نبودن آموزش‌های مهارتی، چالش اصلی آموزش‌های مهارتی است. از نگاه خبرگان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مهم‌ترین آسیب نظام آموزش مهارتی کشور مربوط به بعد ساختاری و پس‌از آن ابعاد رفتاری و محتوایی قلمداد شده‌اند. عزیزی و علی‌خانی (۲۰۱۳) چالش‌های آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را در پنج طبقه شامل مسائل بین‌المللی، فناوری، برابری، نیروی انسانی و بخش خصوصی بیان کرده‌اند. عزیزی و نصیری (۱۳۹۳) مشکلات و چالش‌هایی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در راستای تبدیل شدن به یک سازمان کارآفرین را شامل: عوامل ساختاری سازمان، دستگاه‌های مدیریت منابع انسانی، رفتار رهبری، روابط انسانی در سازمان و گروه‌های غیررسمی، تقابل اهداف سازمان و نیازهای جامعه، سیستم‌های نظارتی بیان کرده‌اند و همچنین راهکارهای، گزینش مناسب و ارتقای افراد شایسته و اهتمام سازمان بر شایسته‌سالاری، ترویج فرهنگ تشریک دانش و یا تشکیل گروه‌های کاری در جهت رفع مشکلات کاری و سازمانی، ایجاد تغییرات در سیستم پاداش و تشویق و سیستم دریافت ایده و پیشنهادها، کارکنان، توجه به نیازهای محیطی و درک تغییرات محیطی، تأکید بر اهمیت آموزش کارآفرینی در فرایند توسعه حرفه‌ای مربیان مراکز و ارائه حمایت‌های سازمانی و آموزشی بیشتر به معلمان و مربیانی که در آموزش کارآفرینی درگیر هستند را جهت تقویت بعد کارآفرینی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای پیشنهاد کرده‌اند. خورشیدی و فرخی (۱۳۹۱)، شایستگی‌های عام مهارت آموختگان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای را به ترتیب اهمیت و اولویت شامل، شایستگی‌های محیط کار، شایستگی‌های دانش کسب‌وکار، شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های تحصیلی ذکر کرده‌اند.

همچنین کیلبرینک و همکاران^۱ (۲۰۱۸) بر تعامل و همکاری بین مؤسسات آموزش مهارتی و محیط کار تأکید کرده‌اند و نقش آن‌ها را تکمیل‌کننده همدیگر دانسته‌اند.

به‌هرحال اگرچه برخی پژوهش‌ها به‌صورت پراکنده، سازه‌های پیرامون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را موردبررسی قرار داده‌اند، اما واضح است که شواهد تجربی در این حوزه همچنان محدود است و پژوهش‌های بیشتری لازم است تا درک درست، عمیق و جامعی از مدل ارتقاء کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دست آید. پژوهش‌هایی که مبتنی بر بافت هر سازمان و هر منطقه بوده و بر اساس آن بتوان درنهایت به راه‌کارهایی

1. Kilbrink, N., et al.

عملیاتی جهت بهبود کیفیت آموزش‌ها دست‌یافت. با این رویکرد هدف از پژوهش حاضر، طراحی مدلی جهت ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده بنیاد بوده است؛ و به این سؤال پاسخ داده شده است: هر یک از عوامل اصلی مدل سیستمی نظریه داده بنیاد (علی، زمینه‌ای، محیطی، اصلی، راهبردها و پیامدها) از چه مقوله‌هایی تشکیل شده‌اند؟

روش

روش پژوهش حاضر برحسب هدف، کاربردی و برحسب روش گردآوری اطلاعات، کیفی-گراندد تئوری (نظریه پردازی داده بنیاد)^۱ است. جامعه آماری پژوهش شامل استادان دارای تخصص علمی و تجربه کاری در حوزه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، مدیران و کارشناسان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و مدیران بخش صنعت در استان کردستان در سال ۱۳۹۷ بود. داده‌های این پژوهش بر اساس مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته^۲ با هیجده نفر از خبرگان حیطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شامل ۵ نفر از اعضای هیئت علمی فعال در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۳ نفر از مدیران با سطح تحصیلات و تجربه کافی بخش صنایع و همچنین ۱۰ نفر مدیران و کارشناسان خبره و باسابقه در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان کردستان گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند^۳ و با استفاده از روش گلوله برفی^۴ انجام شد. مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری^۵ رسید. به منظور اعتباریابی مقولات و روابط آن‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت‌کننده (متخصصان آموزش فنی و حرفه‌ای) استفاده و پس از دریافت نظرهای اصلاحی و مشاوره لازم با استادان راهنما ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه و تأیید شد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت.

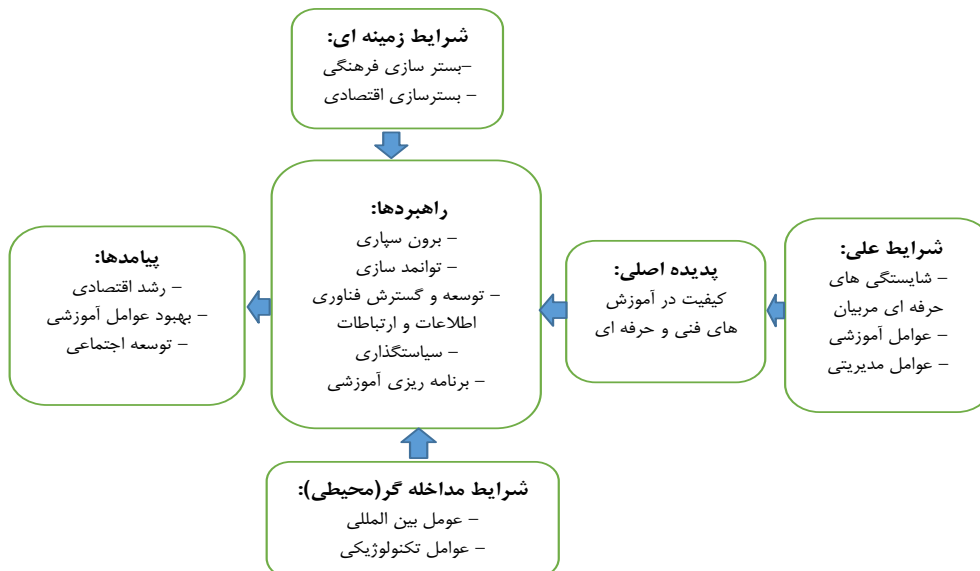
1. grounded theory
2. semi-structured interview
3. purposeful sampling

4. snowball
5. theoretical sampling

یافته‌ها

پس از گردآوری داده‌ها از طریق انجام هیجده مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان آموزش فنی و حرفه‌ای در استان کردستان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و بعد از تحلیل داده‌های گردآوری شده با انجام مراحل سه‌گانه در روش نظریه بر خاسته از داده‌ها، مدل ارتقاء کیفیت به‌عنوان مقوله اصلی شناسایی شد. در نهایت ۶۷ گزاره مفهومی اولیه در مرحله کدگذاری باز و ۱۶ گزاره مقوله‌ای در مرحله کدگذاری محوری شناسایی شدند. مقوله‌های پژوهش حاضر در شش دسته زیر معرفی می‌شوند:

- مقولات علی: بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته و نظر خبرگان آموزش فنی و حرفه‌ای استان کردستان، سه مقوله علی عبارت‌اند از: شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان، عوامل آموزشی، عوامل مدیریتی.
- مقوله اصلی: کیفیت در آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان پدیده اصلی شناسایی شد که تمام مقولات دیگر به آن مربوط می‌شوند.
- مقوله زمینه‌ای: دو کد محوری بسترسازی فرهنگی و بسترسازی اقتصادی به‌عنوان مقولات زمینه‌ای در نظر گرفته شدند.
- مقوله مداخله‌گر (محیطی): دو کد محوری عوامل بین‌المللی و عوامل تکنولوژیکی جزء عوامل محیطی مورد نیاز شناخته شده‌اند که مانند مقولات زمینه‌ای، بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
- راهبردها: پنج کد محوری برون‌سپاری، توانمندسازی، سیاست‌گذاری، توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و برنامه‌ریزی آموزشی، راهبردهایی در نظر گرفته شده‌اند که از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر تأثیر می‌پذیرند.
- پیامدها: سه کد محوری رشد اقتصادی، بهبود عوامل آموزشی و توسعه اجتماعی به‌عنوان مقوله پیامدی به دست آمدند که حاصل اقدامات راهبردها و در نتیجه طراحی مدل ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستند.



شکل ۱. الگوی مناسب ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش ارائه مدلی برای ارتقاء سطح کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ایران است. در همین راستا مدل پارادایمی بر اساس ابعاد شش‌گانه با ۱۶ کد محوری ترسیم شد. شرایط علی با سه کد محوری، شرایط مداخله‌گر با دو کد محوری، شرایط زمینه‌ای با دو کد محوری، پدیده اصلی کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، راهبردها با پنج کد محوری و پیامدها با سه کد محوری تدوین و در مدل پژوهش ترسیم شد.

کدهای محوری شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان، عوامل آموزشی و عوامل مدیریتی در قالب شرایط علی به دست آمد. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج عبداللهی (۱۳۹۵)، زارعی محمودآبادی، فلاح و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۵)، صالحی عمران (۱۳۹۳) سلیمی (۱۳۹۳)، عزیزی و نصیری (۱۳۹۳)، عزیزی و علی‌خانی (۲۰۱۳)، سلیمی (۱۳۹۱)، حسینی، صدری و مطور (۱۳۹۱) و معصومی و کاوندی (۱۳۹۱) همسو است. ضعف در پرورش و ارتقاء شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان، نامناسب بودن عوامل آموزشی از جمله به‌روز نبودن امکانات و تجهیزات آموزشی، تقاضامحور نبودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین

عدم تناسب ساختار اداری و سلسله مراتبی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با پیشرفت‌های سریع فناوری در جامعه باعث بروز چالش‌های جدی در این خصوص شده است. عوامل بین‌المللی و عوامل تکنولوژیکی در قالب شرایط مداخله‌گر به دست آمد. یافته‌ها با نتایج پژوهش عزیزی و علی‌خانی (۲۰۱۳) و سلیمی (۱۳۹۱) همسو است. با توجه به پدیده جهانی شدن و رقابتی شدن بازارها، میزان مراودات بین‌المللی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با کشورهای موفق جهان و همچنین تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه کشورهای دیگر به‌عنوان شرایط مداخله‌گر می‌توانند راهبردهای ارتقاء کیفیت نظام آموزش فنی و حرفه‌ای را تحت تأثیر خود قرار دهند.

شرایط زمینه‌ای مدل شامل بسترسازی فرهنگی و بسترسازی اقتصادی است. یافته‌ها با نتایج پژوهش عبدالهی (۱۳۹۵)، عزیزی و نصیری (۱۳۹۳) همسو است. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، مجموعه ارزش‌ها، باورها و اعتقادات افراد مختلف جامعه اعم از والدین کارآموزان، کارآموزان و حتی مدیران واحدها و مراکز فنی و حرفه‌ای در خصوص میزان اثربخش بودن این آموزش‌ها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای به‌عنوان شرایط زمینه‌ای ایفا کند. همچنین قابل ذکر است که شرایط و موقعیت اقتصادی کشور به‌عنوان یک عامل زمینه‌ای می‌تواند کارایی بیرونی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تحت تأثیر خود قرار دهد. در توضیح بیشتر این مقوله می‌توان ادعا کرد که رابطه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با نظام اقتصادی کشور یک رابطه دوسویه است. به‌عبارت‌دیگر اگر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با بهترین امکانات و تجهیزات و با بهره‌گیری از بهترین شیوه‌های آموزشی روز دنیا، نسبت به آماده‌سازی کارآموزان خود اقدام کند؛ و از طرف دیگر نظام اقتصادی دچار رکود باشد و نتواند این کارآموزان را جذب کند، میزان کارایی بیرونی به‌شدت دچار افت خواهد شد.

کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان پدیده اصلی مدل شامل مقوله‌های انطباق دانش، مهارت و نگرش کارآموزان با نیازهای بازار کار، افزایش میزان رقابت‌پذیری تولید، ایجاد مشاغل جدید، تجاری‌سازی پژوهش و فناوری است. در عصر اقتصاد مبتنی بر دانش، پرورش خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری بخش‌های مختلف صنعتی، خدماتی و کشاورزی و همچنین تجاری‌سازی این نوآوری‌ها در راستای خلق ثروت، جزء پارامترهای مهم آموزش فنی و حرفه‌ای باکیفیت در عصر حاضر است.

برون‌سپاری، توانمندسازی، توسعه و گسترش فناوری اطاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی به‌عنوان کدهای محوری راهبردی ارتقاء کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشخص شدند. یافته‌ها با نتایج پژوهش عبدالهی (۱۳۹۵)، زارعی محمدآبادی، فلاح و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۵)، صالحی عمران (۱۳۹۳) و عزیزی و علی‌خانی (۲۰۱۳) هم‌راستا است. با توجه به نتایج حاصل از این مقوله از پژوهش به نظر می‌رسد که با توسعه میزان برون‌سپاری و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه بخش خصوصی، توانمندسازی نیروی انسانی شاغل در این بخش به‌خصوص مربیان آموزشی، بهره‌گیری از مزایای فناوری اطاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری جامع و همه‌جانبه و در رأس آن هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی و همچنین وزارت کار و رفاه امور اجتماعی در راستای اولویت‌دهی به کیفیت در ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین برنامه‌ریزی آموزشی دقیق و علمی به‌دوراز هرگونه اعمال‌نظرهای سلیقه‌ای و شخصی می‌تواند به ارتقاء کیفیت و بهره‌وری این بخش کمک کند.

در سایه این راهبردها، پیامدها و نتایجی برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای حاصل می‌شود. این پیامدها شامل رشد اقتصادی، بهبود عوامل آموزشی و توسعه اجتماعی است. یافته‌ها با نتایج پژوهش عبدالهی (۱۳۹۵)، عزیزی و نصیری (۱۳۹۳) و هم‌راستا است. اگر راهبردهای ارتقاء کیفیت در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌درستی اجرا شود، می‌توانیم انتظار پیامدهای مثبت را سطوح مختلف اعم از بخش‌های مختلف اقتصادی، آموزشی و اجتماعی را داشته باشیم؛ به‌عنوان مثال در بخش اقتصادی داشتن نیروی انسانی کارآمد و خلاق یکی از پارامترهای مهم سرمایه‌گذاران خارجی در داخل کشور است؛ بنابراین با ارتقاء سطح کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فرایند سرمایه‌گذاری در کشور تسهیل می‌شود. همچنین از پیامدهای دیگر در بعد آموزشی می‌توان به افزایش موفقیت کارآموزان در مسابقات بین‌المللی اشاره کرد که در حال حاضر دارای وضعیت رضایت بخشی نیست؛ و درنهایت می‌توان به پیامد مثبت افزایش نرخ اشتغال‌پذیری جوانان جویای کار اشاره کرد که یکی از چالش‌های مهم حال حاضر کشور است که با بهبود کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای این امر تسهیل می‌گردد.

لازم به ذکر است که در پژوهش‌های کیفی، به علت نوع طرح پژوهش و شیوه نمونه‌گیری، تعمیم نتایج با محدودیت‌هایی مواجه است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر صرفاً در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان کردستان صورت گرفته است، بنابراین

پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مشابه در سایر استان‌ها نیز صورت پذیرد. همچنین مدل استخراج‌شده پژوهش بیان‌گر آن است که ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یک فعالیت پیچیده و چندوجهی است. بر اساس نتایج و یافته‌های پژوهش جهت ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیشنهادهای اجرایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ایجاد شبکه‌های ارتباطی گسترده با بخش‌های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی و برگزاری نشست‌های آگاهی بخشی گام مهمی را برای کاهش چالش‌های ارتقاء کیفیت بردارد. توسعه این ارتباطات می‌تواند شکاف فرهنگی را کاهش دهد و نگرش کارفرمایان را به فرهنگ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مثبت تبدیل کند.

- نهادهای حاکمیتی و سیاست‌گذار در رأس دولت و وزارت کار و رفاه اجتماعی با تصویب قوانین و سیاست‌های حمایتی و تسهیلگر زمینه حرکت مراکز و واحدهای آموزش فنی و حرفه‌ای را به سمت کیفیت‌مدار شدن فراهم کنند.

- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و در رأس آن مدیریت، بعد از بررسی قابلیت‌های سازمان، هدف کارآفرین بودن را در مأموریت و خط‌مشی سازمانی مدنظر قرار دهد.

- برنامه‌ریزی در جهت تقویت فرهنگ عمومی جامعه در خصوص اثرگذاری نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در راستای رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه.

- توجه به پتانسیل‌های بومی و منطقه‌ای هر استان در فرایند برنامه‌ریزی آموزشی

- ایجاد و فعال کردن واحد یا بخش نیازسنجی آموزشی در داخل ساختار نظام آموزش فنی و حرفه‌ای که بتواند به‌صورت مداوم نیازهای آموزشی را مورد پیش‌بینی و پیش‌قرار دهد

- و اتخاذ رویکرد ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در فرایند سنجش و آزمون مهارت کارآموزان

- حرکت به سمت مدیریت غیرمتمرکز و تفویض اختیار به پایین‌ترین سطح عملیاتی سازمان یعنی مراکز و واحدهای مجری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای افزایش میزان چالاکی و انعطاف‌پذیری جهت پاسخگویی سریع به نیازهای در حال تغییر بازار کار

- تغییر رویکرد مبتنی بر عرضه محوری به رویکرد مبتنی بر تقاضامحوری، پیاده‌سازی و اجرای دقیق سبک مدیریت مبتنی بر شایستگی در کلیه سطوح و رده‌های سازمانی در راستای ارتقاء سطح انگیزش و افزایش حس مسئولیت‌پذیری کارکنان

موارد مهم جهت انجام در پژوهش‌های آینده شامل ۱- انجام پژوهش جهت عملیاتی کردن راهبردهای پرورش خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در آموزش‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ۲- امکان‌سنجی اجرای روش‌های نوین آموزش مبتنی بر فناوری در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ۳- چگونگی ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در یک رشته-گرایش خاص ۲- بررسی راهکارهای توانمندسازی مربیان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ۴- بررسی راهکارهای اثربخش سازی ساختار سازمانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۵- بررسی راهکارهای اجرایی کردن ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای.

سیاسگزاری

از دکتر نعمت‌اله عزیزی برای مطالعه و کمک در شکل‌گیری متن تشکر می‌کنیم و همین‌طور از مهندس سید جمیل احمدی، مهندس ناصر شیرمحمدی، مهندس شکراله انصاری، مهندس وفا فیضیان، مهندس فرید بایزید نژاد، مهندس کلامی و تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منابع

- بختیاری نژاد، ف. و شیخان، ن. (۱۳۹۵). توسعه فناوری در کشور با بازبینی برنامه درسی رشته‌های مهندسی. *فصلنامه آموزش در مهندسی ایران*، ۱۸(۷۰)، ۲۱-۳۶.
- حسینی، م.، صدری، ع. و مطور، م. (۱۳۹۱). جایگاه اشتغال دانش‌آموختگان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در شهر شیراز. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۶(۱۷)، ۱۰۷-۱۲۷.
- خورشیدی، ع. و فرخی، د. (۱۳۹۱). مؤلفه‌های سازنده شایستگی‌های مهارت‌آموختگان. *دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱(۲)، ۱۳۱-۱۶۲.
- سلیمی، ج. (۱۳۹۱). آموزش فنی و حرفه‌ای در قرن ۲۱: سیاست‌های یونسکو در خصوص آموزش فنی و حرفه‌ای در عصر اطلاعات و مقایسه جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای ایران با آن سیاست‌ها. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۶(۱۷)، ۲۵-۴۳.
- سوزنچی کاشانی، ا. (۱۳۹۳). *اقتصاد دانش‌بنیان، تأملی در مفاهیم و نظریه‌ها*، چاپ اول. اصفهان: انتشارات پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پروژه.
- صالحی عمران، ا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور. *فصلنامه مهارت‌آموزی*، ۲(۸)، ۲۵-۴۸.

عبداللهی، ح. (۱۳۹۵)، ارزیابی سازوکارهای تجربه‌شده برقراری ارتباط بین آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار در ایران. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۳(۲۲)، ۱۵۲-۱۶۷.

عزیزی، ن. و نصیری، ر. (۱۳۹۳) مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کارآفرینی در سازمان‌های آموزشی: واکاوی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان کردستان. *دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۳(۶)، ۱۵۲-۱۸۹.

معصومی، ب. و کاوندی، ح. (۱۳۹۱)، بررسی نقش نظام آموزش مهارتی در کارآفرینی و اشتغال هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شهر اهواز، *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۶(۱۷)، ۶۹-۴۵.

References

- Abdollahi, H. (2015). Evaluation of the Experienced Mechanisms of linked between technical and vocational training and the Labor Market in Iran. *Quarterly Journal of Research in Curriculum Planning*, 22, 152-167. [In Persian].
- Azizi, N. & Nasiri, R. (2014). Components that affecting on of Entrepreneurship in Educational Organizations: A Study of the Technical and Vocational Education of Kurdistan Province. *Journal of Educational Planning Studies*, 3(6), 152-189. [In Persian].
- Azizi, N., & Alikhani, P. (2013). A Consideration on the TVET's Challenges in Iran: Emerging TVET Priorities for the Knowledge-based Economy. In European Conference on Educational Research (ECER 2013).
- bakhtiari nejad, F., & Sheikhan, N. (2016). Technology development in the country with the revision of engineering courses curriculum. *Iranian Journal of Engineering Education*, 18(70), 21-36. doi: 10.22047/ijee.2016.16247. [In Persian].
- Boahin, P. (2018). Competency-based curriculum: A framework for bridging the gap in teaching, assessment and world of work. *International Journal of Vocational and Technical Education Research*, 4(2), 1-15.
- Bridges, C. (2008). Entrepreneurship education and economic development: preparing the workforce for the twenty-first century economy.
- Falk, M., & Seim, K. (2001). The impact of information Technology on high-skilled labor in services: Evidence from firm-level panel data. *Economics of Innovation and New Technology*, 10(4), 289-323.
- Florida, R. (2003). Entrepreneurship, creativity, and regional economic growth. *The emergence of entrepreneurship policy*, 39-58.
- Hart, D. M. (Ed.). (2003). *The emergence of entrepreneurship policy: governance, start-ups, and growth in the US knowledge economy*. Cambridge University Press.
- Hasanefendic, S., Heitor, M., & Horta, H. (2016). Training students for new jobs: The role of technical and vocational higher education and implications for science policy in Portugal. *Technological Forecasting and Social Change*, 113, 328-340.
- Khorshidi, A. & Farrokhi, D. (2012). Components of competency in Student Skills. *Journal of educational planning studies*, 1(2), 131-162. [In Persian].

- Hosseini, M., Sadri, A., & Motavar, M. (2012). Employment status of graduates of technical and vocational schools in Shiraz. *Journal of Research in Educational Systems*, 6(17), 107-127, [In Persian].
- Hrmo, R., KriStofiaková, L., & Miština, J. (2015). Building a quality system of technical and vocational education in Slovakia towards a European labour market. In *Interactive Collaborative Learning (ICL), 2015 International Conference on* (pp. 237-243). IEEE.
- Kilbrink, N., Bjurulf, V., Baartman, L. K., & de Bruijn, E. (2018). Transfer of learning in Swedish technical vocational education: student experiences in the energy and industry programmes. *Journal of Vocational Education & Training*, 1-21.
- Kourilsky, M. L., & Walstad, W. B. (2000). *The E generation: prepared for the entrepreneurial economy?*. Kendall/Hunt Pub.
- Marope, P. T. M., Chakroun, B., & Holmes, K. P. (2015). *Unleashing the potential: Transforming technical and vocational education and training*. UNESCO Publishing.
- Masoumi, B. & Kavandi, H. (2012). The Study of the Role of Skills Training System in Entrepreneurship and Employment of Technical and Vocational Schools in Ahvaz. *Journal of Research in Educational Systems*, 6(17), 69-45. [In Persian]
- Mihm-herold, W. A. (2010). Considering human capital theory in assessment and training: mapping the gap between current skills and the needs of a knowledge-based economy in northeast Iowa.
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2013). OECD skills outlook 2013: First results from the survey of adult skills. *OECD Publishing*.
- Psarras, J. (2006). Education and training in the knowledge-based economy. *Vine*, 36(1), 85-96.
- Salehi e, I. (2014). Pathology of Skills Management in Iran, *Quarterly Skills*, 2(8), 25-48. [In Persian].
- Salimi, J. (2012). Technical and vocational trining in 21st Century: UNESCO's Policies on Technical and Vocational Education in the Age of Information and Comparison of the Status of Iranian Technical and vocational trining with those Policies. *Journal of Research In Educational Systems*, 6(17), 25-44, [In Persian].
- Schwarz, E., & Kay, K. (Eds.). (2006). *The Case for Twenty-First Century Learning: New Directions for Youth Development*, Number 110 (Vol. 84). Jossey-Bass.
- Sozanchi, K, I. (2014). *Knowledge Based Economy, Reflection on Concepts and Theories*, Research Institute of Natural Disasters Engineering, Project Index, First edition, Isfahan, Iran, [In Persian]
- Taylor, R., Johnson, S., Hoke, L., Doron, S., Pennock, C., & Clinton, J. (2011). Enterprise South. biz: The 2007 Report on the Future of the South.
- Veselá, D., & Klimová, K. (2014). Knowledge-based economy vs. creative economy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 141, 413-417.
- Yayilgan, S. Y., Arntzen, A. A., Stavseng, G. H., Ljubicic, M., Solvang, B., Meadow, R., & Dalipi, F. (2015, June). Knowledge, Technology and Innovation (KTI): Opportunities, issues and challenges of KTI transfer between Norway and the Balkans countries. In *Information Technology Based Higher Education and Training (ITHET), 2015 International Conference on* (pp. 1-7). IEEE.